



زنان، الگوهای گذران اوقات فراغت و گردشگری روستایی (مطالعه موردی مناطق روستایی دهستان طرقله)

حدیث کامرانی فر^۱

خدیدجه بوذرجمهری^۲

چکیده

امروزه با به وجود آمدن شرایط جدید اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اوقات فراغت به عنوان یکی از محورهای مهم زندگی مطرح شده است و کیفیت گذراندن آن اهمیت بیشتری یافته است که بررسی اثرات و پیامدهای ناشی از گذراندن اوقات فراغت زنان و گردشگری روستایی یکی از موضوعات مهم مورد توجه جغرافیدانان است، که در زندگی همه انسانها در کنار کار و فعالیت‌های روزانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و اوقات فراغت و چگونگی گذراندن آن در زمان بیکاری است. نظر به ارزش والای زن در جامعه و با توجه به اینکه زنان روستایی بخش قابل توجهی از وقت و انرژی خود صرف فعالیت‌هایی می‌کنند که در محاسبات تولید و درآمد ملی نادیده گرفته می‌شود. اوقات فراغت یکی از راههایی است که کمک می‌کند تا زنان ضمن شرکت در فعالیت‌های فراغتی، وظایف مادری و شهروندی خود را بهتر نسبت به جامعه انجام دهند. در این پژوهش برای بررسی چگونگی گذراندن اوقات فراغت زنان روستایی و نقش گردشگری روستایی در مناطق روستایی دهستان طرقله در گذراندن اوقات فراغت زنان روستایی شاخص‌ها و عوامل گوناگونی بررسی شده است که در روستاهای مورد مطالعه در محیط *Excel* میانگین شاخص‌ها و نظرات اهالی محلی محاسبه شد و برای تحلیل داده‌ها از آزمون تی تک نمونه ای استفاده شده است که براساس آزمون تی تک نمونه ای شاخص شغل و نوع کار با ۳۰.۷۳۶ بیشترین تاثیر را در گذراندن اوقات فراغت زنان روستایی در رابطه با گردشگری داشته است و شاخص سن با ۱۱.۸۵۷ کمترین تاثیر را گذراندن اوقات فراغت زنان روستایی در رابطه با گردشگری داشته است.

کلمات کلیدی: اوقات فراغت، زنان روستایی، گردشگری، دهستان طرقله

۱. دانشجوی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد. h.kamranifar23@gmail.com

۲. استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد



۱- مقدمه

امروزه فراغت به عنوان یکی از مهم ترین موضوعات در زندگی اجتماعی انسانها بدل شده است. فراغت بخشهای مختلف زندگی انسانها را تحت تاثیر قرار داده است، امروزه فراغت رابطه تنگاتنگی با مصرف، خرید، گردشگری (تیموتی، ۱۳۸۸)، هویت و سبک زندگی طبقات (وین، ۲۰۰۲)، نابرابری (صادقی و دیگران، ۱۳۸۸)، مدیریت شهری (فلاح، ۱۳۸۷)، انتقال ارزشها و جامعه پذیری و مباحث دیگر دارد. اوقات فراغت به عنوان نمایی از سبک زندگی، مقوله ای است که افراد با آرامش و اختیار می توانند علایق و تمایلات خود را به کارگیرند و فرصتی است تا ارزشها و نگرش های پنهان خود را تعیین بخشیده، قدرت و مقاومت در عرصه زندگی را به نمایش بگذارند. بهره وری از اوقات فراغت به عنوان "مجموعه ای از اشتغالات که فرد با رضایت خاطر برای استراحت یا تفریح و یا به منظور و یا به منظور توسعه آگاهی ها یا فراگیری غیرانتفاعی، مشارکت اجتماعی، که بعد از رهایی از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی بدان می پردازد" (کوهستانی، ۱۳۷۸، ۵۱). یکی از عوامل تفاوت در گذراندن اوقات فراغت جنسیت است به گونه ای که به واسطه قرارگرفتن زنان و مردان در لایه های متفاوت اجتماعی که در آن زنان غالباً در محیط خانه و خانواده به مراقبت های عاطفی و خانوادگی و انجام امور خانگی مشغول هستند، مردان تحت حمایت این حوزه خصوصاً قرار می گیرند و بهره می برند، تمایزاتی ایجاد می شود و در این مسیر اشتغال زنان با فشار مضاعف و مسوئیت چندگانه و متضاد تأهل و به دنیا آوردن فرزند این تمایز و تفاوتها را تشدید می کند و زنان با پایگاه طبقات متفاوت به کرات در فعالیت های فراغتی مشابهی مشارکت می کنند. زنان در محیط های روستایی بخش قابل توجهی از وقت و انرژی خود را صرف فعالیت هایی می کنند که غالباً در محاسبات تولید و درآمد ملی نادیده گرفته می شود. که انعکاس نادیده انگاری در افزایش نابرابری و کاهش بهره وری آنها از منابع و فرصت ها است، که بیشتر اوقات بیداری و فراغت خود را به نظافت و انجام امور همسر داری و فرزند داری و درمان و مراقبت از اعضای خانواده می پردازند (شهرزاد صالحین، ۱۳۸۲، ۳۲). متینگلی و بیانچی اظهار دارند که اوقات فراغت در زنان کمتر از مردان است، فراغت محض در ایشان کمتر است. فراغت ایشان بیشتر با کارهای خانگی آمیخته است و زنان بیش از مردان اوقات فراغت خود را با فرزندانشان سپری می کنند و بیشتر زنان در زمان گذراندن اوقات فراغت خود نگران کارهای خانه و کارهای بیرون از خانه هستند (متینگلی، بیانچی، ۲۰۰۳). گسترش صنعت گردشگری برای گذراندن اوقات فراغت در مکانهایی که پتانسیل بالقوه جذب گردشگر را دارند می تواند به عنوان ابزاری کارآمد در جهت رشد و توسعه همه جانبه جوامع میزبان و مهمان در نظر گرفته شود که روستاها یکی از مکانهای جذب گردشگر و گسترش گذراندن اوقات فراغت هستند (منفرد، رومیانی، ۱۳۹۱، ۳۳). گردشگری روستایی، یکی از انواع گردشگری است که در سالهای اخیر توسعه یافته است. به دلیل ازدحام جمعیت در شهرها و دسترسی آسان به روستاها برای افراد که از محیط شهری خسته شده اند برای گذراندن اوقات فراغت خود به روستاهای خوش آب و هوا پناه می برند که یکی از پیامدهای توسعه گردشگری در نواحی مقصد تغییر در شیوه زندگی ساکنان و همچنین گذراندن اوقات فراغت مردم بالاخص زنان روستایی است و همچنین به عنوان منبع درآمدی برای اشتغال و ساکنین روستا محسوب می شود و تغییرات اجتماعی و فرهنگی فراوانی را برای جامعه روستایی به همراه داشته است و



باعث تغییرات عمیقی را در شاخص های عینی و ذهنی و ویژگی های کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی جوامع مقصد می شود. شناخت توانایی های زنان و اعتقاد به نقش آنان در جامعه، فرآیندی است که به تدریج در همه ی کشورها در حال توسعه آغاز شده است (شادی طلب، ۱۳۷۸۹، ۵۹). زیرا زنان به عنوان نیمی از جمعیت انسانی، نه تنها موضوع و هدف هر برنامه توسعه ای هستند، بلکه به عنوان عامل پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه روستایی محسوب می شوند (اعظمی و دیگران، ۱۳۸۹، ۱۷۹). با توجه به اینکه توانمندسازی زنان روستایی، گردشگری روستایی است که می تواند فرصت های متنوع برای توانمندسازی زنان روستایی فراهم نماید، که در زمینه اوقات فراغت و استفاده بهینه از اوقات فراغت یکی از اثرات و پیامدهای مختلفی است که گردشگری روستایی به جای گذاشته است. آنچه که در توسعه همه جانبه روستایی و گردشگری روستایی مورد غفلت قرار گرفته اس توجه به فرصت های درون روستایی و به ویژه جایگاه زنان در محیط های روستایی است و آنچه که باعث شده زنان روستایی از دایره شمول برنامه های مرتبط با این رویکردها خارج بماند و این نارسایی ها را تشدید کند عرصه های تنگ آداب سنتی، کنترل اجتماعی و نگاه مردسالارانه در جوامع روستایی است. بخش گردشگری روستایی در فضاهای روستایی نیز از این شرایط مستثنی نیست و حتی به شدت بر آن تاثیر گذاشته است (خانی، ۱۳۹۰، ۲۷).

تحولات کنونی در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستا علیرغم پیامدهای مثبتی که جهت بهبود شرایط در روستا داشته است سبب گردید تا از نقش فعال زنان در عرصه تولید کاسته شود و زنان روستایی تولید کننده سابق تبدیل به زنان خانه دار مصرف کننده شوند. این امر نه تنها پیامدهای منفی در عرصه اقتصاد روستا به جای می گذارد، بلکه عملاً قشر فعال عظیمی را از فرایند تولید حذف کرده و رشد اقتصاد ملی را نیز کند می نماید (دادورخانی، ۱۳۸۴: ۱۷۱). امروزه پرداختن به امر برنامه ریزی اوقات فراغت یکی از موضوعات اساسی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی جامعه امروزی است و چگونگی تعادل بخشیدن بین عرضه و تقاضا است که یکی از مهمترین موضوعاتی است که دست اندرکاران و مسولین دولتی با آن روبه رو هستند. از این رو توجه به امر اوقات فراغت زنان در ردیف مباحث جدید در برنامه ریزی های شهری-روستایی محسوب می گردد. اوقات فراغت زنان به صورت یکی از محورهای مطرح در زندگی زنان است که جایگاه خاصی را در فعالیت هایی به خود اختصاص داده است، از این رو بایستی برای گذراندن اوقات فراغت بهینه نیرویی مضاعف را کسب نمود و با فراغ بال به مشکلات زندگی فائق آیند (هییود و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۴). نظر به ارزش والای زن در جامعه و با توجه به این که زنان نیمی از جامعه را تشکیل داده اند و محور خانواده به شمار می آیند، لذا باید از نظر روحی و جسمی از سلامت و شادابی برخوردار باشند. اوقات فراغت یکی از طرقی است که به زنان کمک می کند تا ضمن شرکت در فعالیت های فراغتی، وظایف مادری و همسری خود را بهتر انجام دهند و فرزندان بهتری را تعلیم و تربیت نموده و نسل سالم تری را به جامعه تحویل دهند (علوی زاده، ۱۳۸۷: ۶۱).

بر اساس مطالعات اولیه که زنان به عنوان قشر مهمی از جامعه که از کمبودهای فضاهای فراغتی و گذراندن اوقات فراغت اعلام نارضایتی کردند، لذا ضرورت دارد در جهت استفاده بهینه زنان از اوقات فراغت بالاخص در زمینه گردشگری روستایی و بهره گیری بهینه تردیدی وجود ندارد. و در این پژوهش گذراندن اوقات فراغت زنان



یکی از اساسی ترین مباحث مطرح در زندگی فردی و اجتماعی این قشر جامعه است که آیا برای گذراندن اوقات فراغت زنان در مناطق روستایی به طور اعم در گردشگری روستایی برنامه ریزی هدفمندی صورت گرفته است؟ و در این مناطق بر اساس چه مقولات و متغیرهایی اوقات فراغت را می گذرانند؟ برای پاسخ کامل تر به پرسش اصلی تحقیق پرسش هایی به عنوان زیر مجموعه این پرسش ها مدنظر قرار گرفته است که عبارتند از:

۱. فراغت در ذهن زنان روستایی چه معنایی دارد؟
۲. میزان فراغت زنان مزبور به چه میزان است و آن را چگونه سپری می کنند؟
۳. آیا در فراغت این زنان جنبه های آسیب پذیر هم وجود دارد؟
۴. عوامل فردی-اجتماعی موثر بر فراغت زنان مطالعه شده کدام است؟
۵. چه عوامل عمده ای برای آسیب زدن اوقات فراغت زنان تاثیر می گذارند؟

۲- ادبیات و پیشینه پژوهش

۲-۱- مروری بر پژوهش های خارجی

الف- تأثیرات نسل و سن بر گذران اوقات فراغت: در بیشتر مطالعات مربوط به فراغت نسل و تفاوت های نسلی بررسی شده است (راپاپورت و دیگران ۱۹۷۵؛ رابینسون و گادبی ۱۹۹۹). بر اساس این مطالعات سلیقه ها، طرز تلقی های سیاسی و تعلقات افراد با سن تغییر می کند و فرهنگ جوانی بسیار معطوف به فرهنگ توده ای است که بیشتر بر رسانه های تصویری و الکترونیکی مبتنی است. همچنین جوانان بیشتر تحت تأثیر گروه همسالان و رسانه های جمعی هستند تا خانواده و ارزش های جمعی و محلی و فراغت های آنان تحت تسلط فرایند فردگرایی و توسعه ی هویت های جنسیتی است.

ب- تأثیر جنسیت بر فراغت: بیت من^۳ و وایک من^۴ (۲۰۰۰) در تحقیق خود دریافتند که کار پنهان خانگی فراغت زنان خانه دار را از بین می برد و اصولاً حضور مردان در خانه برای فراغت و تجدید قواست در حالی که همین حضور برای زنان آمیخته با کار و نگرانی های ناشی از عرضه ی خدمات مناسب به اعضای خانواده است. در عین حال این دو محقق دریافتند که الگوی گذران فراغت زنان ناشی از سن و وضعیت تأهل آنهاست. بیت من و وایک من با توجه به فعالیت های هم زمان با فراغت به نوعی تفاوت جنسیتی در کیفیت زمان فراغت پی بردند. آنها بین فراغت «خالص» و فراغت «منقطع» فرق گذاشتند. بنابر تحقیق ایشان مردان بیشتر زمان فراغت خالص دارند در حالی که فراغت زنان به دلیل هم زمانی فعالیت های متقاطع کار منقطع است. در عین به نظر می رسد که فراغت زنان بیشتر مبتنی بر بازتوانی باشد تا فراغت خالص. این دو محقق نشان دادند که با لحاظ فعالیت های هم زمان با فراغت می توان کیفیت فراغت را سنجید. آیتچیسون^۵ (۲۰۰۰) در مطالعه ی انتقادی خود در خصوص فضا و جنسیتی



نشان می‌دهد که فضا به شدت با جنسیت در ارتباط است و جنسی شدن فضا بر فعالیت‌های فراغتی در محیط اجتماعی تأثیر مستقیم می‌گذارد و همین امر فضا را برای زنان ریسک‌آمیز می‌سازد.

۲-۲ مروری بر پژوهش‌های داخلی

در زمینه‌ی گذران اوقات فراغت تا به امروز پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی متعددی در ایران به نگارش در آمده است اما از میان آنها پژوهش‌های زیر تا حدی به موضوع مطالعه‌ی ما نزدیک است. سمیه شفیعی طی پژوهشی (۱۳۸۳) رضایتمندی زنان از فراغتشان را به روش پیمایشی مطالعه کرده است. هدف این پژوهش شناخت میزان بهره‌مندی زنان از اوقات فراغت، میزان گذران اوقات فراغت در درون و بیرون از خانه و میزان رضامندی زنان از اوقات فراغتشان بوده است. بر اساس این پژوهش میزان اوقات فراغت و میزان رضامندی زنان از فراغتشان با تقسیم مشارکتی کار در خانه، پایگاه اجتماعی، اقتصادی زن و میزان قدرت تصمیم‌گیری او رابطه‌ی مستقیم و با تعداد فرزندان خردسال او رابطه معکوس دارد.

منوچهر اشرف‌الکتابی نیز پژوهشی با عنوان «بررسی تغییرات نحوه‌ی گذران اوقات فراغت در خانواده‌های شهر تهران طی سه نسل» انجام داده است (۱۳۷۹). در این طرح گذران اوقات فراغت به شکل مقایسه‌ای هم میان جنس-های مختلف و هم در سه نسل مخلف از یک خانواده مطالعه شده است. هدف پژوهش شناخت نوع و میزان دگرگونی اوقات فراغت خانواده‌های تهرانی و مقایسه‌ی آن میان سه نسل بوده است. بر اساس نتایج تحقیق مفهوم اوقات فراغت در جامعه‌ی روستایی - سنتی و در جامعه‌ی شهری - صنعتی تغییر فراوان کرده و به نظر می‌رسد فراغت به عنوان نهاد تازه‌ای که کارکردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد در جامعه شکل گرفته است. همچنین الگوی فراغت سه نسل با یکدیگر تفاوت دارد و متغیرهای جنسیت، سن، میزان تحصیلات، شغل، و پایگاه اقتصادی و اجتماعی بر نحوه‌ی گذران اوقات فراغت تأثیر می‌گذارد.

در تحقیقاتی که توسط سید امیر علوی زاده (۱۳۸۶) در خصوص بررسی چگونگی نحوه گذران اوقات فراغت بانوان شهر کاشمر به عمل آمده است که طی این تحقیق ضمن بررسی مبانی نظری و اوقات فراغت و عوامل و عناصر تأثیر گذار در چگونگی گذران اوقات فراغت در بین زنان شهر کاشمر که از طریق تحقیقات پیمایشی صورت گرفته با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی تعداد ۱۰۵ نفر را بین زنان ۲۰ تا ۶۵ ساله جهت انجام مطالعات انتخاب گردیده و با توجه به متغیرهای کیفی از آزمونهای ناپارامتریک (آزمون کای اسکویر) برای تحلیل داده ها استفاده شده و در ضمن مطالعات به یکایک عوامل بهینه تأثیر گذار در نحوه و چگونگی گذران اوقات فراغت زنان نام برده و در منطقه مورد مطالعه پرداخته و علل و عوامل هر یک را مورد بررسی قرار داده است و در نهایت مشخص شده است که گذران اوقات فراغت در جامعه مورد بررسی از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. و در تحقیق دیگری که توسط آقای اکبر فریار (۱۳۷۸) با عنوان بررسی اوقات فراغت و چگونگی گذراندن آن در میان اقشار مختلف مردم تبریز انجام شده که در آن از طریق نمونه گیری تصادفی به آمار ۲۸۵ نفر استفاده شده که به تفکیک ساعات فراغت افراد مورد مطالعه به تعیین شاخص رفتار اجتماعی و ارتباط موضوع نام برده که با میزان درآمد آزاد و نقش مراکز فرهنگی در گذراندن اوقات فراغت به بح و بررسی انواع فعالیت های فراغتی و نحوه گذراندن آن پرداخته است و



در نهایت ارتباط عوامل فوق را به بهره‌وری های اقتصادی و ارتقای فعالیت های اجتماعی مرتبط ساخته و در نهایت نقش هر یک از سازمان های ذی ربط (شهرداری، تربیت بدنی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی) در ارتباط با موضوع مورد نظر بیان نموده است. در تحقیقی دیگری که به صورت پایان نامه توسط خانم پروانه زندوار (۱۳۷۹) با عنوان زن و اوقات فراغت شهر اصفهان صورت گرفته که پس از بررسی مفاهیم نظری و تکمیل پرسشنامه از طریق نمونه گیری تصادفی به تعداد ۲۵۰ نفر با استفاده از برنامه های نرم افزاری، *Excel*، نتایج را به صورت نمودار بیان کرده و با استفاده از مدل های و باتلر و *SWOT*، نقاط قوت و ضعف فضاهای اوقات فرات ناحیه ۶ را بررسی نموده که در نهایت زنان از اوقات فراغت خود استفاده بهینه را نبرده و از اماکن و فضاهای فراغتی ناراضی بودند که نبودن طرحهای مناسب و نبودن بودجه لازم جهت بانوان از دلایل آن می توان برشمرد. در تحقیق دیگری که توسط خانم بهناز مدنی در سال (۱۳۹۰) که به بررسی مراکز گذراندن اوقات فراغت زنان در مناطق ۶ و ۵ اصفهان با استفاده از مدل های عوامل استراتژیک *SWOT*، کار شده است که به تجزیه و تحلیل داده ها در محیط های نرم افزاری *Excel* و *SPSS*، پرداخته است که نتایج آن نشان داده است که دسترسی نامطلوب به مراکز فراغتی و محدودیت های اوقات فراغت نشان میدهد.

۳-چارچوب نظری

فراغت در معنای جدید آن پدیده‌ای است تازه که بر اثر صنعتی شدن و شهرنشینی به وجود آمده و آن را نمی‌توان با بیکاری قرون گذشته مقایسه کرد. در این معنا اوقات فراغت زمانی است که در آن شخص آن گونه که می‌خواهد عمل می‌کند و در آن الزامی وجود ندارد در نتیجه با نوعی طیب خاطر و رضایت سپری می‌شود. از این رو اوقات فراغت را می‌توان مهم‌ترین و دلپذیرترین اوقات انسان دانست این اوقات ممکن است که برای عده‌ای متضمن تعمق و تفکر و ساختن و ابداع باشد و برای عده‌ای بیشتر شامل بازآفرینی قوای جسمی و روانی و برای برخی دیگر صرفاً شامل سرگرمی و تفریح باشد.

فعالیت‌های اوقات فراغت امروزه از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی از آن به مثابه آیینی فرهنگ جامعه یاد می‌کنند، به این معنی که چگونگی گذران اوقات فراغت افراد یک جامعه تا حد زیادی معرف ویژگی‌های فرهنگی آن جامعه است. با افزایش اهمیت فراغت ارزش‌های مارکس^۶ و ریکاردو^۷ درباره‌ی اهمیت کار و جایگاه تولیدی در شکل‌دهی به شخصیت و هویت انسان کم‌رنگ شده است. در گذشته فراغت کم و بیش با بیکاری و بی‌مصرفی همراه بود و مادر تمام شرها محسوب می‌شد. اما امروزه فراغت مبنای یک اخلاق جدید مبتنی بر نیک-بختی است. کسی که از اوقات بیکاری خود استفاده نمی‌کند یا نمی‌تواند از آن بهره‌مند شود دیگر کاملاً انسان شمرده نمی‌شود بلکه موجود عقب‌مانده‌ای میان حیوان و انسان به شمار می‌آید (سلگی، ۱۳۸۲، ۳۹).

از طرف دیگر زنان به علت وضعیت خاص بیولوژیکی و شرایط اجتماعی و عرفی جامعه‌ی ایران به یک سری برنامه‌های فراغتی متفاوت با مردان نیاز دارند. شاید یکی از علل مهم تفاوت الگوهای زندگی زنان و مردان و از



جمله گذران اوقات فراغت آنها ناشی از تفاوت روحیاتشان باشد. کمبود یا نبود فعالیت‌های فراغتی و تفریحی مطلوب زنان و دختران به کاهش کارایی در محیط کار، تحصیل و خانواده و خستگی و افسردگی دامن می‌زند و چه بسا باعث تخریب روابط انسانی در حوزه‌ی اجتماع و خانواده می‌شود.

دست یابی به توسعه و بهبود کیفیت زندگی از آن آرمان‌هایی است که همواره ذهن بشر را به خود مشغول نموده است. نظر به اینکه توسعه اقتصادی به تغییر برنامه ریزی شده ساخت تولید تاکید دارد، بنابراین به دلیل کاهش سهم کشاورزی در تولید و اشتغال، استراتژی‌های توسعه معمولاً بر صنعتی شدن سریع شهری و به زیان کشاورزی و توسعه روستایی منجر شده و توسط شاخص‌های اجتماعی غیر اقتصادی مانند بهبود در سطح سواد، تعلیم و تربیت، شرایط بهداشت، خدمات و تامین مسکن تکمیل شده است. تا پیش از سال ۱۹۷۰ تصور به این بود که فرایند توسعه بر زنان و مردان به طور یکسان اثر می‌گذارد، در این زمان نفوذ سرمایه داری منجر به مدرنیزاسیون و باعث نابودی اقتصاد سنتی شده است و این امر لطماتی را که بر زمان وارد می‌شده است تشدید نموده است. اعلام سال ۱۹۷۵ به عنوان "سال جهانی زن و در پی آن، اعلام "دهه زن" از سوی سازمان ملل توجه جهانیان را به نقش انکار ناپذیری زنان در توسعه جلب کرد و انگیزه‌های لازم را در سازمان‌های بین‌المللی و بسیاری از حکومت‌ها به منظور تلاش در رفع تبعیض از زنان به وجود آورد (هنشال مومس، ۱۹۹۱، الن، ۱۹۸۴، صدیق ۱۹۸۸). تحولات ایجاد شده در دهه‌های اخیر در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و به خصوص افزایش جمعیت، گسترش شهرنشینی، توسعه‌ی صنعت حمل و نقل و... موجب گسترش گردشگری به خصوص گردشگری روستایی گردیده و از لحاظ نظری شیوه‌ای برای پر کردن اوقات فراغت بر شمرده می‌شود. علاوه بر آن واسازیجهان مدرن در وضعیتی پسامدرن در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سبب شده است که پیرامون این واسازی‌ها اشکال تازه‌ای از شیوه‌ی زندگی اجتماعی-اقتصادی پدیدار شود. در این شیوه گردشگری به عنوان گونه‌ای از گذران اوقات فراغت به «حق انسان» تبدیل گردیده که در کنار دیگر حقوق او شکل دهنده‌ی بنیان زندگی او در عصر پسامدرن می‌باشد (پاپلی یزدی و سقایی، ۱۳۸۲: ۳۸). امید گردشگری را شامل همه‌ی فعالیت‌هایی می‌داند که یک گردشگر در طول مدتی که وی به دلایل شخصی یا حرفه‌ای، در جایی دور از مکانی که به طور معمول زندگی و کار می‌کند انجام می‌دهد (رضوانی، ۱۳۸۷: ۵). روستاها به دلیل تنوع توانمندی‌های طبیعی (آب، جنگل، فضای سبز) طبیعت بکر، محیط آرام، ارزان بودن، همکاری و مشارکت مردمی و غیره از بهترین موقعیت‌ها برای گذراندن اوقات فراغت و تفریح می‌باشد (صیدایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۰۲۱). که در جامعه ما زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و این در صورتی است که نگاه و برخورد زنان در ایران به موضوع سرگرمی و اوقات فراغتشان متفاوت است. مراکز گذران اوقات فراغت را باید بر اساس ظرفیت، وسعت، جاذبه‌های فضایی، میزان استفاده و شعاع دسترسی طبقه بندی کرد و تجهیزات مناسب را فراهم آورد که بر این اساس یکی از مکانهای گذران اوقات فراغت و پتانسیل‌های محیط اطراف ما محیط روستا و گردشگری در آن است بر اساس تجهیزات اوقات فراغت می‌تواند شامل امکانات فرهنگی مانند کتابخانه یا امکانات ورزشی مانند استخر یا زمین ورزشی باشد. اما این تجهیزات بر حسب جمعیت و ساختار آن در هر مکان و شهر و روستا به صورت جدید ایجاد می‌شود و باعث بهتر گذران اوقات



فراغت می شود (پورمحمدی، ۱۳۸۶: ۱۰۳). اهمیت نیروی انسانی در توسعه تحولات چشمگیر دو دهه اخیر در جهان باعث شده که کاهش نابرابری های جنسیتی، بخش جدایی ناپذیر فرآیند توسعه گردد. از این رو مشارکت عمومی و فراگیر یک جامعه در تصمیم گیریها، برنامه ریزی ها و کلیه فعالیت ها و امور مربوط به توسعه ملی و منطقه ای بسیار ضروری است (خسروی پور، فروشانی، ۱۳۸۷: ۷۳). بر اساس گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، استفاده بهینه از نیروی زنان جهان می تواند در افزایش رشد اقتصادی، کاهش فقر، ارتقاء سطح سلامت اجتماعی و کمک به تضمین توسعه مناسب در همه کشورها تاثیر گذار باشد. نرخ مشارکت زنان در نیروی کار به طور قابل توجهی در بیشتر کشور ما نسبت به مردان پایین تر است (خانی، ۱۳۸۵: ۱۰۱). افزایش مشارکت زنان در امور اقتصادی آنان را به سوی توسعه فزاینده سوق داده است و توانمند می سازد (خانی و احمدی، ۱۳۸۸: ۶۸). یکی از مسائل مهمی که در زندگی همه ی انسانها و در کنار کار و فعالیت های روزانه از اهمیت ویژه ای برخوردار است اوقات فراغت و چگونگی گذراندن این اوقات در زمان بیکاری است و در همچنین گذراندن این اوقات فراغت در حین گردشگری روستایی و امثال آن است. اوقات فراغت شاید این مقوله از نظر بسیاری از افراد چندان مهم و باارزش تلقی نشود اما به جرأت می توان گفت همان طور که نوع شغل و میزان دقت و توجه افراد به شغلشان در زمان انجام آن می تواند باعث رشد و توسعه جامعه شود و به همان نسبت چگونگی گذراندن اوقات فراغت و اختصاص دادن زمانی خاص به شکل درست و منطقی به این اوقات مهم می توان در جای خود باعث رشد و ارتقای تک تک افراد در زندگی شخصی و اجتماعی شود (علوی زاده، ۱۳۸۷: ۶۳). اوقات فراغت معادل ترجمه فرانسوی *loisir* و معادل انگلیسی *leisure* بوده و ریشه لاتین *licere* است. و دو بعد معنایی عمده، یکی آزادی انتخاب و دیگری اجازه داشتن برای برگزیدن را در بر دارد. اوقات فراغت مدت زمانی که انسان کار نمی کند تعریف می شود (علوی زاده، ۱۳۸۷: ۶۴). در این راستا بود که زمانهای آزاد از کار اهمیت یافت و رویکرد به گذراندن آن اوقات فراغت نامیده شد. در واقع پدیده اوقات فراغت در رابطه با کار در چارچوب زمانی و وابستگی به کار توجیه گردید، زمان مفهومی خطی یافت که مصرف آن ارزش گذاری شد، از این رو زمان تبدیل به کالایی شد که شیوه های مصرف آن در رابطه با اخلاق کار شکل می گرفت. به همین دلیل مدت زمانی که طی اوقات فراغت صرف می شود در راستای مصرف بهینه زمان، تراکم و بسته بندی گردید. برای گذراندن این زمان اضافی و فراغت از کار نیاز به فضایی جدا از آن و محل کار پیدا شد و گذراندن اوقات فراغت به کالای تجاری تبدیل گردید و حول این کالای تجاری سرمایه تولید-مصرف و سود پدیدار گشت (پاپلی یزدی و سقایی، ۱۳۸۵: ۱۳۴).

مدرنیته اشکال مختلف زندگی را تنها بر پایه قابلیت های آنها در تولید منافی که افراد مصرف می کنند مورد ارزیابی قرار می دهد (تیلور، ۱۳۸۰: ۱۳۵). مدرنیته همواره به پیش رفتن و کنار گذراندن کهنه، نگرش تازه انسان به جهان و خودش معنی می دهد (جهانبگلو، ۱۳۷۶: ۹). به این گونه پیدایش بعد تازه ای از دگرگونی دائمی، انهدام رسوم و فرهنگ سنتی را در صحنه زندگی اجتماعی رقم می زند (پاپلی یزدی، ۱۳۸۱: ۱۸). تفکیک میان کار و اوقات فراغت یکی از دگرگونی هاست؛ در مدرنیته کار یک ضرورت تلقی می شود و گردشگری در قالب اوقات فراغت به معنی دمی آسودن از کار برای تجدید قواست. اوقات فراغت به عنوان زمانی از بیداری انسان که فرد بتواند آن را به میل و



دلخواه خود بدون هیچ گونه الزامی بگذرانند معنی می گردد. در عصر سنتی، خانه محل کار نیز بود و تمایز خانه و کار صورت رسمی به خود نمی گرفت، بنابراین اوقات فراغت بدان معنا پیدا نمی کرد، اوقات فراغت به عنوان مفهوم جدیدی که محصول جدایی کار از خانه، پیشرفتهای فناوریانه و تقسیم کار اجتماعی است. این فرصت را مهیا کرد که انسان (هرچند کوتاه) از اجبارها و محدودیت های نظم اجتماعی مدرن رها شود (کیویستو، ۱۳۸۰: ۸۰). این رهایی از فشار کار، گذراندن اوقات فراغت را در قالب گردشگری تسهیل کرد (Goben, 1996, 53).

گردشگری شکل گرفته در این چارچوب نیز انسان مدرن را با انگیزه تفریح در روند سرمایه داری به جست و جوی محیطهای گوناگون برای تمایز از محیط کار و تفریح و داشت. در این رابطه انسان نیاز به تفریح، استراحت، آرامش و دور شدن از گرفتاریهای زندگی مدرن را که یکمسله عمیق اجتماعی-فرهنگی دوران عصر مدرن است که به صورت سطحی حل کند، همین امر به علت مسائل سرمایه داری و فناوریانه در یک حالت تضاد با نیازهای درونی قرار دارد: کار، تلاش بیشتر، خستگی و تحمل فشارهای روحی-روانی بیشتر برای کسب پول و پس انداز برای رفتن به مسافرت و گردش برای استراحت، هر چند زندگی ماشینی تر می گردد در این مساله تضاد (پارادوکس) بین کار و استراحت (لا اهلل برای توده مردم) بیشتر می گردد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۵: ۱۳۳). فراغت به عنوان پدیده اجتماعی همواره تابع دستاوردهای فنی و الگوهای فرهنگی-مکانی زمان خاص خویش است که فرد برای استراحت و یا تفریح بعد از آزاد شدن از الزامات شغلی و خانوادگی و اجتماعی به آن می پردازد (قاسمی خوزانی، ۱۳۹۱: ۶۵). اوقات فراغت افراد به شکلهای گوناگون سپری می شود، اگر بخشی از آن را مسائل تفریح و سرگرمی در محل زندگی و بخش دیگر را شامل گردش و مسافرت در نظر بگیریم این دو شکل از گذراندن اوقات فراغت در محلی باهم اشتراک دارند که آن را می توان تفریحات غیر محلی نامید (قرخلو، ۱۳۸۶: ۹۱). باید اذعان کرد که گردشگری به شیوه جدید پدیده ای پیامدی و حلقه مهم در بازتولید گذراندن اوقات فراغت است (مومنی، ۱۳۸۶: ۱۵). گردشگری پدیده ای است کهن که از دیرباز در جوامع انسانی وجود داشته است و بتدریج در طی مراحل تاریخی مختلف به موضع فنی، اقتصادی و اجتماعی اکولوژیکی کنونی خود رسیده است (رضوانی، ۱۳۸۶، ۲۷).

در واقع افزایش سفر به نواحی روستایی نتیجه برخی از تغییرات مهم است که شامل افزایش درآمد، اوقات فراغت، تغییرات شبکه ها و فناوریهای حمل و نقل و عواملی نظیر "نوستالژی" و "واقعیت گریزی" است که توجهات زیادی را به تجارب روستایی خصوصاً برای شهرنشینان جلب نموده است (رضوانی، ۱۳۹۱: ۲۲).

انجمن بین المللی جامعه شناسی فراغت، اوقات فراغت را اینگونه تعریف می کند:

"در مجموعه ای از اشتغالات فرد که کاملاً به رضایت خاطر خود برای استراحت، تفریح و یا به منظور توسعه اطلاعات یا آموزش غیرانتفاعی، مشارکت اجتماعی و داوطلبانه بعد از آزاد شدن از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی به آن می پردازد (ضرغام، ۱۳۷۶: ۸۶).

یکی از تقسیمات اجتماعی که به ناهمگونی و نابرابری در فراغت منتهی می شود جنسیت است. جنسیت نوعی ساختار اجتماعی است به استنباط جامعه از رفتار و ویژگی ها. نقش های مناسب برای مردان و زنان مربوط می شود. بر



اساس سن و جنس طیفی از دلالتها و نگرش ها در مورد رفتار مناسب اجتماعی وجود دارد که فعالیت های اوقات فراغت را توضیح می دهد(نوایی نژاد، ۱۳۷۶: ۳۲). نحوه گذراندن اوقات فراغت زنان به میزان زیادی به سطح تحصیلات و پایگاه اجتماعی آنان بستگی دارد، به طوری که در پایگاههای اجتماعی پایین بیشتر به صورت جمعی و به تعبیری خانوادگی می گذرد و هر چه پایگاههای اجتماعی و اقتصادی زنان افزایش یابد نحوه گذراندن اوقات فراغت آنان بیشتر جنبه فردی پیدا می کند، زیرا به دلیل برخورداری از امکانات مالی و فرهنگی این مکان برای آنها بیشتر فراهم می شود که بتوانند بهتر برنامه ریزی کنند و خواسته هایشان را مهیاد نمایند. این گروه ساعاتی را برای برنامه ها و سرگرمی های خود اختصاص می دهند(پوراسماعیل، ۱۳۷۵: ۳۴). یکی دیگر از فاکتورهای اساسی که نحوه گذراندن اوقات فراغت نقش دارد سن آنهاست که به طوری در اوقات فراغت دختران جوان مطابق با روحیه جوانی آنها است و به همان نسبت زنان بزرگسال مطابق با سن و سال آنهاست(همان، ۱۳۷۵: ۳۸).

از طرفی نداشتن آزادی در انتخاب برنامه تفریحی است که در ایران بیشتر ناشی از نظارت خانواده و جامعه است که بر اساس تحقیقاتی که تاکنون انجام شده بیشترین میزان اوقات فراغت زنان در شهرهای بزرگ صرف فعالیت های مانند ورزش، مسائل مذهبی، سیر و سفر و فعالیت های هنری(نقاشی، قالی بافی و صنایع دستی و معرق کاری) و مطالعه(روزنامه، کتاب، مجله) سرگرمی های بیرون از منزل مانند سینما، موزه، تئاتر، خیابان گردی و.. است. شهر های کوچک و مکانهای کوچک مانند روستاها مهم ترین نوع گذراندن اوقات فراغت برای بانوان به شکل دید و بازدید رفتن به مهمانی و تماشای تلویزیون و در کل بیشتر به صورت دسته جمعی است، همه این نوع فراغت ها بستگی به وجود امکانات داشته است که ان را می توان لذت بخش تر کردن اوقات فراغت بانوان بیانجامد(عابدینی زاده، ۱۳۷۶: ۶۶).

در بیشتر موارد نخستین مسولیت زنان سازماندهی امور خانه و انجام کارهای ان است، مسولیت های خانگی به گونه ای است که تنظیم وقت و مشخص کردن مرز کار از اوقات فراغت را دشوار می سازد، بنابراین باعث تکه تکه شدن اوقات فراغت می شود. فاز این رو برای زنان ترسیم خط میان کار و اوقات فراغت دشوار است(هیوود، ۱۳۸۰). فراغت در حقیقت شفافبخش خستگی های روح و آسیب های زندگی زنان است و بانوانی که اوقات فراغتشان را با درایت و تدبیر برنامه ریزی هدفمند نمایند، شاهکار خواهند آفرید. گذراندن بهینه اوقات فراغت برای زنان این قابلیت را دارد که تجربه و رضایتی فراهم نموده و کیفیت زندگی آنان را ارتقا می بخشد؛ اوقات فراغت برای تمام زنان به عنوان یک تجربه با آزادی نسبی است که از نظر فردی ارضا کننده و ذاتاً ارزشمند است و می توان به خود شکوفایی و در نهایت به یک زندگی سعادت مند برای زنان منتهی گردد(یلدا، ۱۳۸۸: ۲۳).

سازمان ملی جوانان به بررسی تعاریف مختلف مبتنی بر سه رویکرد اقدام کرده است که این سه رویکر عبارتند از: فراغت به مثابه زمان، فراغت به عنوان فعالیت و فراغت به عنوان یک تجربه درونی در نظر گرفته می شود(سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱: ۶۹). از دیدگاه اسلام اوقات فراغت در کنار اوقات کار قرار دارد و فرصتی است که از آن برای پاسخ دادن به حس کمال جویی انسان بهره برداری کرد و در این زمینه به طور کلی میتوان گفت که در همین حال که اوقات فراغت در رفع خستگی و تفریح و سرگرمی تاثیر غیر قابل انکار دارد، اما توجه به کارکرد دیگر آن که رشد



و شکوفایی شخصیت است اهمیت ویژه ای دارد (کوهستانی و خلیل زاده، ۱۳۷۸: ۴۵). قبل از انقلاب صنعتی اوقات فراغت از کار تفکیک نشده بود و در این زمان مردم به طور دائم کار میکردند نه زمانی که طبیعت به آنها اجازه کار نمی داد دست از کار می کشیدند اما بعد از انقلاب صنعتی زمان کار تعریف شد و مدت کار با عنوان یکی از مبنای تولید محاسبه شد و زمان کار از زمان بیکاری تفکیک شد، بنابراین مبنای پیدایش اوقات فراغت به مفهوم جدید آن به انقلاب صنعتی باز میگردد (سعیدی رضوانی، ۱۳۷۶: ۱۶۰). بی گمان عوامل گوناگونی بر نحوه گذراندن اوقات فراغت زنان نیز تاثیر گذاشته که از جمله می توان به عوامل همچون سن، سطح معلومات و موقعیت اجتماعی و شغلی و مدیریت اوقات فراغت و وضعیت خانوادگی و تربیت خانوادگی، موقعیت اجتماعی افراد از نظر درآمد و طرز تفکر و اثبات شخص از گذراندن اوقات فراغت، دسترسی به امکانات درو دنیا که به روش مختلف به فرصتهای افراد در فعالیت های اوقات فراغت تاثیر می گذارد می توان اشاره نمود (یلدا، ۱۳۸۸، ۲۷).

جدول ۱: شاخص های گذراندن اوقات فراغت زنان

مؤلفه ها	شاخص ها	سطح سنجش
ویژگی های اجتماعی-فردی	شغل و نوع کار	فاصله ای
	مشکلات مالی خانواده	ترتیبی
	فشار همسران و خانواده	فاصله ای
	کار شدید خانگی	فاصله ای
	سن	فاصله ای
	امکانات رفاهی-تفریحی	فاصله ای
	برنامه ریزی دولت و نابرابریهای طبقاتی	فاصله ای

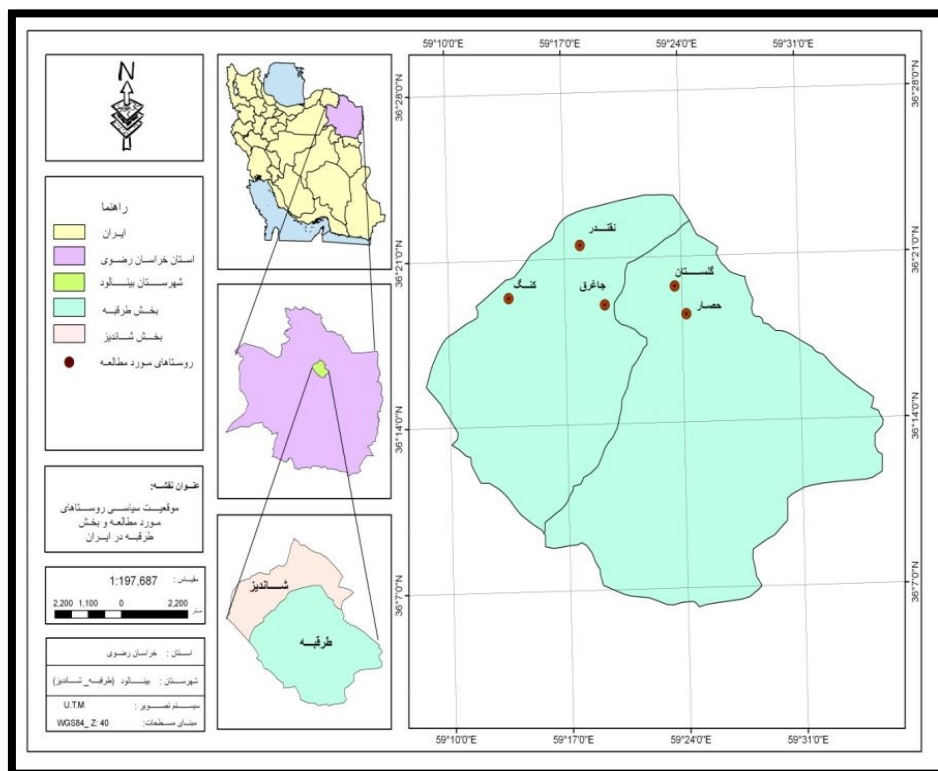
منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۳

۴- روش تحقیق و منطقه مورد مطالعه

در این پژوهش نحوه گردآوری داده ها میدانی و از نظر هدف کاربردی است که بر پایه روش توصیفی و تحلیلی استوار است. برای گردآوری داده های میدانی از پرسشنامه و مصاحبه و برای گردآوری اطلاعات از طریق مطالعه اسناد و منابع موجود از طریق کاوش های اینترنتی و کتابخانه ای استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش زنان بومی و محلی پنج روستای: گلستان-حصار-جاغرق-کنگ-نقندر در دهستان طرقله می باشد که شامل ۱۰ نفر نمونه در هر روستا که مجموع ۵۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب شده است که از طریق پرسشنامه و تحلیل ها در محیط *SpssExcel*، و آزمون فرضیه *t* تک نمونه ای انجام خواهد گرفت.

برای انجام تحقیق حاضر روستاهای بخش طرقله از مهمترین بیلاق های کوهستانی حاشیه شهرستان مشهد، به عنوان منطقه مورد مطالعه انتخاب شده است. این بخش در ۱۸ کیلومتری جنوب غربی مشهد و در مسیر راه جاغرق واقع شده و از غرب به کوه های بینالود و از شمال به کوه تخت رستم محدود می شود. روستاهای طرقله دارای باغ-های فراوان با میوه های متنوع و چشمه سارها و رودخانه های زیباست و در تابستان دارای آب و هوای خنک و

مطبوع است. قرار گرفتن این روستاها با توجه به موقعیت ویژه، داشتن توانمندی‌ها و پتانسیل‌های طبیعی، انسانی، سیاحتی و قابلیت جذب و برنامه ریزی برای مسافران و گردشگران و وجود داشتن بسیاری از امکانات خدماتی، اقامتی، توریستی و جاذبه‌های طبیعی، و قرار گرفتن این دهستان در دشت حاصلخیز پایکوهی و بیلاقی دره سرسبز و خرم و همچنین به واسطه اتصال به بیلاقی‌های دیگر و نزدیکی به مشهد از قدیم به عنوان تفریحگاه مورد توجه ساکنان و زائران مشهد بوده است. و به تبع آن گردشگری روستایی را در این منطقه رونق بخشیده است.



شکل ۱: موقعیت سیاسی منطقه مورد مطالعه

۵- یافته های پژوهش

دهستان طرقبه به لحاظ نزدیکی و مجاورت با کلان شهر مشهد و دارای روستاهایی با پتانسیل‌های گردشگری طبیعی و به واسطه طبیعت زیبا، باغات سرسبز، وجود رودخانه متعدد آب و هوای مطلوب نسبت به شهر مشهد سالانه بسیاری از گردشگران شهر مشهد و دیگر نقاط را جذب میکند که با توجه به روستاهای مورد مطالعه در این پژوهش برای سنجش اوقات فراغت زنان در محیط‌های روستایی و تاثیر گردشگری روستایی بر روی گذراندن اوقات فراغت زنان روستایی در سطح روستاهای مورد مطالعه که از دید جامعه میزبان پرسشنامه ای با گویه‌ها و شاخص‌های "شغل و نوع کار، مشکلات مالی، فشار همسران و خانواده، تعداد فرزندان، کار شدید خانگی، سن، امکانات، برنامه ریزی‌های دولت و نابرابری‌های طبقاتی" استفاده شده است که چگونگی توزیع نسبی



پاسخگویی به گویه ها و شاخص ها و میانگین جمع شاخص در در پنج روستای مورد مطالعه در جدول ذیل آمده است:

جدول ۲: میانگین شاخص ها در روستاهای مورد مطالعه

نام روستا	شاخص شغل و نوع کار	شاخص مشکلات مالی	شاخص فشار همسران و خانواده	شاخص تعداد فرزندان	شاخص کار شدید خانگی	شاخص سن	شاخص امکانات	شاخص برنامه ریزی دولت و نابرابریهای طبقاتی
روستای جاغرق	2.9	1.4	0.5	2.5	1.9	0.9	1.1	2
روستای کنگ	3.1	1.7	0.6	2.5	1.8	1.1	1.3	2.1
روستای نقندر	2.8	1.9	0.6	2.3	1.9	0.8	1.2	2.1
روستای حصار	3.3	1.9	0.6	3.1	1.9	1.3	1.6	2.3
روستا گلستان	2.8	1.8	0.6	2.5	1.5	1	1.2	1.8

منبع: نگارنده ۱۳۹۳

جدول ۳: آزمون تی تک نمونه ای شاخص

فاصله اطمینان از تفاوت 95%	تفاوت میانگین		سطح معناداری	درجه آزادی	t	شاخص
	پایین ترین	بالاترین				
	۲.۷۱۰۸	۳.۲۴۹۲	.۰۰۰	۴	۳۰.۷۳۶	شغل و نوع کار
	۱.۴۸۲۵	۱.۹۹۷۵	.۰۰۰	۴	۱۸.۷۶۳	مشکلات مالی خانواده
	.۵۲۴۵	.۶۳۵۵	.۰۰۰	۴	۲۹.۰۰۰	فشار همسران و خانواده
	۲.۲۰۳۴	۲.۹۵۶۶	.۰۰۰	۴	۱۹.۰۲۰	تعداد فرزندان
	۱.۵۸۴۹	۲.۰۱۵۱	.۰۰۰	۴	۲۳.۲۳۸	کار شدید خانگی
	.۷۸۱۲	۱.۲۵۸۸	.۰۰۰	۴	۱۱.۸۵۷	سن
	۱.۰۴۱۲	۱.۵۱۸۸	.۰۰۰	۴	۱۴.۸۸۰	امکانات
	۱.۸۳۴۴	۲.۲۸۵۶	.۰۰۰	۴	۲۵.۰۳۵۷	برنامه ریزی دولت و نابرابریهای طبقاتی

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۳

۶- بحث و نتیجه گیری:

فراغت در معنای جدید آن پدیده‌ای است تازه که بر اثر صنعتی شدن و شهرنشینی به وجود آمده و آن را نمی‌توان با بیکاری قرون گذشته مقایسه کرد. در این معنا اوقات فراغت زمانی است که در آن شخص آن‌گونه که می‌خواهد عمل می‌کند و در آن الزامی وجود ندارد در نتیجه با نوعی طیب خاطر و رضایت سپری می‌شود. از این



رو اوقات فراغت را می‌توان مهم‌ترین و دلپذیرترین اوقات انسان دانست این اوقات ممکن است که برای عده‌ای متضمن تعمق و تفکر و ساختن و ابداع باشد و برای عده‌ای بیشتر شامل بازآفرینی قوای جسمی و روانی و برای برخی دیگر صرفاً شامل سرگرمی و تفریح باشد. فعالیت‌های اوقات فراغت امروزه از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی از آن به مثابه آیین‌های فرهنگی جامعه یاد می‌کنند. از طرف دیگر زنان به علت وضعیت خاص بیولوژیکی و شرایط اجتماعی و عرفی جامعه‌ی ایران به یک سری برنامه‌های فراغتی متفاوت با مردان نیاز دارند. شاید یکی از علل مهم تفاوت الگوهای زندگی زنان و مردان و از جمله گذران اوقات فراغت آنها ناشی از تفاوت روحیاتشان باشد. کمبود یا نبود فعالیت‌های فراغتی و تفریحی مطلوب زنان و دختران به کاهش کارایی در محیط کار، تحصیل و خانواده و خستگی و افسردگی دامن می‌زند و چه بسا باعث تخریب روابط انسانی در حوزه‌ی اجتماع و خانواده می‌شود. زنان در محیط‌های روستایی بخش قابل توجهی از وقت و انرژی خود را صرف فعالیت‌هایی می‌کنند که غالباً در محاسبات تولید و درآمد ملی نادیده گرفته می‌شود. که انعکاس نادیده انگاری در افزایش نابرابری و کاهش بهره‌وری آنها از منابع و فرصت‌ها است، که بیشتر اوقات بیداری و فراغت خود را به نظافت و انجام امور همسررداری و فرزند داری و درمان و مراقبت از اعضای خانواده می‌پردازند، گسترش صنعت گردشگری برای گذراندن اوقات فراغت در مکان‌هایی که پتانسیل بالقوه جذب گردشگر را دارند می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد در جهت رشد و توسعه همه جانبه جوامع میزبان و مهمان در نظر گرفته شود که روستاها یکی از مکان‌های جذب گردشگر و گسترش گذراندن اوقات فراغت هستند. در این پژوهش برای بررسی چگونگی گذراندن اوقات فراغت زنان روستایی و نقش گردشگری روستایی در گذراندن اوقات فراغت زنان روستایی شاخص‌ها و عوامل گوناگونی بر نحوه گذراندن اوقات فراغت زنان نیز تاثیر گذاشته که از جمله می‌توان به عوامل همچون سن، سطح معلومات و موقعیت اجتماعی و شغلی و مدیریت اوقات فراغت و وضعیت خانوادگی و تربیت خانوادگی، موقعیت اجتماعی افراد از نظر درآمد و طرز تفکر و اثبات شخص از گذراندن اوقات فراغت، دسترسی به امکانات درو دنیا که به روش مختلف به فرصت‌های افراد در فعالیت‌های اوقات فراغت تاثیر می‌گذارد می‌توان اشاره نمود که از نظر ساکنان محلی روستاهای مورد مطالعه به چگونگی گذراندن اوقات فراغت و نقش گردشگری پرسشنامه طراحی شد و برای نتایج آنها در محیط *Excel* میانگین شاخص‌ها و نظرات اهالی محلی محاسبه شد و برای تحلیل داده‌ها از آزمون تی تک نمونه ای استفاده شده است که براساس آزمون تی تک نمونه ای شاخص شغل و نوع کار با ۳۰.۷۳۶ بیشترین تاثیر را در گذراندن اوقات فراغت زنان روستایی در رابطه با گردشگری داشته است و شاخص سن با ۱۱.۸۵۷ کمترین تاثیر را گذراندن اوقات فراغت زنان روستایی در رابطه با گردشگری داشته است. بنابراین برای گذراندن اوقات فراغت زنان روستایی در رابطه با گردشگری روستایی جایگاه اجتماعی و نوع کار و شغل آنها باید توجه بیشتری شود و کمیت و کیفیت شغل و کار زنان بالاتر برود برای بهتر گذراندن اوقات فراغت زنان روستایی و جلوگیری از به هدر رفتن امکانات و پتانسیل‌های روستایی و باعث افزایش درآمد و رونق یافتن اقتصاد مردم محلی می‌شود.



منابع:

- اعظمی، موسی و همکاران (۱۳۸۹). تأثیر متغیرهای فردی و اقتصادی زنان روستایی بر مشارکت آنان در تعاونی تولید، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال او، شماره ۴.
- پوراسماعیل، احسان (۱۳۸۱). بهره‌وری اوقات فراغت با توجه به نظرات جامعه شناسان و مایسه آن با آموزه‌های وحیانی، مجله پژوهش دینی، شماره ۱۴.
- پاپلی یزدی، محمد حسین، سقایی، مهدی، (۱۳۸۵). گردشگری، ماهیت و مفاهیم، انتشارات سمت.
- پاپلی یزدی، محمد حسین، سقایی، مهدی، (۱۳۸۱). سنت و مدرنیته، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۶-۶۵.
- پور محمدی، محمد رضا، (۱۳۸۶). برنامه ریزی کاربری اراضی شهری، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ سوم.
- تیلور، چارلز، هگل، (۱۳۷۹). جامعه مدرن، ترجمه: منوچهر حقیقی راد، نشر مرکز.
- جهانگیلو، رامین، (۱۳۷۶). مدرن‌ها، نشر مرکز.
- خانی، فضلیه، (۱۳۷۵). جایگاه و نقش اشتغال زنان در فرآیند توسعه روستایی استان گیلان، پایان نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- خسروی پور، بهمن، فروشانی، ناهید، (۱۳۸۷). ضرورت و اهمیت مشارکت زنان روستایی در برنامه ریزی ترویجی، مجله کار و جامعه، شماره ۱۰۴-۱۰۵.
- خلیل زاده و کوهستانی، (۱۳۸۷). بررسی چگونگی اوقات فراغت معلمان مشهد. دانشگاه فردوسی.
- دادورخانی، فضلیه، (۱۳۸۵). توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۵.
- دومازه، ژوفر، (۱۳۸۱). مقومه‌ای بر جامعه شناسی اوقات فراغت، مقاله نهم از کتاب (تلویزیون، خانواده، فرهنگ)، ترجمه: علی اسدی، تهران، انتشارات وزارت و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
- سلگی، محمد، صادق پور، بهرام و همکاران، (۱۳۸۲). بررسی اوقات فراغت جوانان، پژوهش و تحقیق سازمان ملی جوانان-گزارش ملی جوانان، تهران، اهل قلم.
- سازمان ملی جوانان، (۱۳۸۱). بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان.
- شادی طلب، ژاله، (۱۳۸۱). توسعه و چالش‌های زنان ایران، تهران، نشر قطره.
- شادی طلب، ژاله، (۱۳۷۸). مشارکت زنان روستایی در تامین و تجهیز منابع، نشریه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی، شماره ۱۴.
- صادقی، رسول، بلالی، اسماعیل، محمدپور، احمد، (۱۳۸۸). نابرابری اجتماعی در حوزه فراغت، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۹.
- صالحین، شهرزاد، (۱۳۸۲). نحوه صرف وقت زنان روستایی، مجله زن در توسعه و سیاست، شماره ۷.
- علوی زاده، امیر، (۱۳۸۷). بررسی چگونگی گذراندن اوقات فراغت بانوان کاشمر، فصلنامه جمعیت، شماره ۶۳.
- عابدین زاده آستارایی، نرگس، (۱۳۷۰). بررسی چگونگی گذراندن اوقات فراغت دختران دبیرستان منطقه ۱۷، آموزش و پرورش تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- فکوهی، ناصر، انصاری، فرشته، (۱۳۸۲). اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگ، فلنامه انسان شناسی، انجمن انسان شناسی، تهران.
- فلاح، محمد صادق، کلامی، مریم، (۱۳۸۷). تأثیر فضاهای باز شهری بر کیفیت اوقات فراغت شهروندان، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۲.
- قرخلو، مهدی، (۱۳۸۶). جغرافیای جهانگردی و برنامه ریزی اوقات فراغت، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- قدیری معصوم، مجتبی، باغیانی، محمدرضا، نورانی، حمیده، (۱۳۹۱). نقش گردشگری روستایی در روابط شهر و روستا در شهرستان طالقان، مجله علمی تخصصی برنامه ریزی فضایی، سال دوم، شماره اول.
- قاسمی خوزانی، محمد، حیاتی، سلمان، کاظمی بی نیاز، مهدی، حجازی جوشقانی، محسن (۱۳۹۱). راهبردهای توسعه اوقات فراغت زائران در مشهد، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ششم، شماره ۳ و ۴.
- کیوسیتو، پیترو، (۱۳۸۰). اندیشه‌های بنیادی در جامعه شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، نشر نی.



- منفرد، فردین، رومیانی، احمد، (۱۳۹۱). تحلیل الگوهای فضایی برای گذراندن اوقات فراغت، دومین همایش ملی راهکارهای توسعه اقتصادی با محوریت برنامه ریزی منطقه‌ای، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی سنندج.
- مومنی، مصطفی، (۱۳۸۶). بحثی در شهر نشینی، جغرافیای اوقات فراغت و گردشگری در کتاب توسعه شهرنشینی و صنعت گردشگری در ایران (از مفهوم تا راهکار) سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول، تهران.
- نوابی نژاد، شکوه ۱۳۷۹. رفتارهای بهنجار و ناهنجار نوجوانان و راههای پیشگیری و درمان، تهران، انجمن اولیاء و مربیان.
- هیود، لس و همکاران، (۱۳۸۰). اوقات فراغت، ترجمه: محمد احسانی، تهران، نشر امید دانش.
- یلدا، ترانه، (۱۳۸۸). فراغت را همه جا می‌توان یافت، تهران، نشریه جستارهای شهر سازی، شماره ۱۱-۱۰.
- Gobenerik, *The sociology of tourism routledy*, 1996.
- Mattingly, Marybeth, Bianchi, Suzanne m, 2003. *gender differnces in the quantity and Quality of free time: theu.s. experience, socialforces, volume 81, number 3, march 2003:99-103.*